

۲. گفت: «از بهر گرامت، جامه ات بیرون کنم»

۳. گفت باید حد زند هشیار مردم

۴. در حق ما، هر چه گوید جای هیچ اکراه نیست.

۵. گفت: نزدیک است والی را سرای

۶. محتسب مستی به ره دید و گریانش گرفت

۷. گفت: «والی از کجا در خانه خمار نیست؟»

۸. بی کلاهی عار نیست.

۹. گفت: کار شرع کار درهم و دینار

(۲) فعل های مشخص شده را از نظر کاربرد معنایی بررسی کنید.

«گفت: نزدیک است والی را سرای، آن جا شویم // گفت: والی از کجا در خانه خمار نیست؟»

(۳) در کدام گزینه فعل «نیست» از نظر معنایی با بقیه متفاوت است؟

(۱) من نیست شدم نیست شدم مایه هستی است // این نیست به هستی ابد کم نفروشم

(۲) گفت: نزدیک است والی را سرای، آن جا شویم // گفت: والی از کجا در خانه خمار نیست؟

(۳) هزار یک کاندر نهاد او هنراست // نگار خوب همانا که نیست در ارتنگ

(۴) ز دانش به اندر جهان هیچ نیست // تن مرده و جان نادان یکی است

(۴) کاربرد معنایی «شد» را در هر یک از ابیات زیر، بررسی کنید.

(الف) ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز // آن سوخته را جان شد و آواز نیامد

(ب) این مدعیان در طلبش بی خبرانند / کان را که خبر شد، خبری باز نیامد

(پ) گفت: «می بسیار خوردی، زان چنین بی خود شدی / گفت: «ای بیهوده گو حرف کم و بسیار نیست!»

(ت) خرامان بشد سوی آب روان // چنان چون شده باز جوید روان

(۵) در مصراع «گفت: نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم // گفت: والی از کجا در خانه خمار

نیست» کلمه «والی» در مصراع نخست و دوم چه نقش دستوری دارد؟

سوال ۶) در مصراع «گفت: تا داروغه را گویم، در مسجد بخواب // گفت: مسجد خوابگاه مردم بدکار نیست» کلمه «مسجد» در

مصراع نخست و دوم چه نقش دستوری دارد؟

(۷) شکل نوشتاری کدام واژه، اشتباه است؟ گفت: «مسجد خوابگاه مردم بدکار نیست»

(۸) در ابیات زیر نوع «را» را مشخص کنید.

۱. گفت: نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم» (را) در (والی را سرای) چه نوع «را» یی است؟
۲. گفت: «تا داروغه را گوئیم، در مسجد بخواب / گفت: «مسجد خوابگاه مردم بدکار نیست»
- ۹) در بیت «گفت: باید حد زند هشیار مردم، مست را // گفت: هشیاری بیار، اینجا کسی هشیار نیست» نقش دستوری «هشیار مردم»: ..... «مست»: ..... «هشیاری»: ..... «هشیار»: ..... است.
- ۱۰) در بیت «گفت: کار شرع، کار درهم و دینار نیست» نقش دستوری «کار» را بنویسید.
- ۱۱) نوع حذف را در بیت «گفت: از بهر غرامت، جامه ات بیرون کنم / گفت: «پوسیده است، جز نقشی ز بود و تار نیست» مشخص کنید.
- ۱۲) الف) در ابیات زیر، نقش کلمات مشخص شده را به ترتیب بنویسید.
- الف) «گفت: مستی، زان سبب افتان و خیزان می روی / گفت: «جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست»
- ب) گفت: «دیناری بده پنهان و خود را وارهان / گفت: «کار شرع، کار درهم و دینار نیست»
- ۱۳) با توجه به بیت: «گفت: آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه / گفت: «در سر عقل باید، بی کلاهی عار نیست» به سوالات زیر پاسخ دهید.
- الف) نقش کلمات مشخص شده را بنویسید.
- ب) نقش «ت» در مصرع اول را بنویسید.

۱۴) در کدام گزینه «فعل» به «قرینه معنوی» حذف شده است؟

- ۱) فکری ای هموطنان در ره آزادی خویش // بنمایید که هر کس نکند، مثل من است
- ۲) چنان که در نظری در صفت نمی آیی // منت چه وصف بگویم تو خود در آینه بین
- ۳) دمی آب خوردن پس از بدسگال // به از عمر هفتاد و هشتاد سال
- ۴) خانه ای کاو شود از دست اجانب آباد // ز اشک ویران کنش آن خانه که بیت الحزن است
- ۱۵) در مصرع: «گفت می باید تو را تا خانه قاضی برَم» نوع فعل «برَم» را بنویسید؟
- ۱۶) با توجه به بیت زیر به سوالات پاسخ دهید.
- گفت: «از بهر غرامت، جامه ات بیرون کنم / گفت: «پوسیده است، جز نقشی ز بود و تار نیست»
- الف) نقش واژگان مشخص شده، را به ترتیب بنویسید.

ب) نوع حذف را مشخص کنید. کدام نقش جمله محذوف است؟

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

### قلمرو ادبی:

- ۱۷) متن درس «مست و هوشیار»، از نظر بیان (جد/طنز) با این سروده حافظ چه وجه اشتراکی دارد؟  
 «با محتسم عیب مگوئید که او نیز / پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است»

۱۸) در ابیات زیر آرایه «ایهام» را بیابید.

۱. گفت: «می باید تو را تا خانه قاضی برم / گفت: «رو، صبح آی، قاضی نیمه شب بیدار نیست»

۲. گفت: باید حد زند هشیار مردم، مست را // گفت: هشیاری بیار، اینجا کسی هشیار نیست

۱۹) در بیت «گفت: باید حد زند هشیار مردم، مست را // گفت: هشیاری بیار، اینجا کسی هشیار نیست» زیر آرایه های موجود را بیابید و توضیح دهید؟

۲۰) در مصراع «گفت: در سر عقل باید، بی کلاهی عار نیست» بی کلاهی کنایه از چیست؟ ۵/۰

۲۱) ابیات زیر را از نظر آرایه های ادبی کنایه، تضاد و حسن تعلیل و تکرار بررسی کنید.

الف) گفت: «باید حد زند هشیار مردم، مست را» / گفت: «هشیار بیار، اینجا کسی هشیار نیست!»

ب) گفت: «مستی، زان سبب افتان و خیزان می روی» / گفت: «جُرم راه رفتن نیست، ره، هموار نیست»

۲۲) کنایه را در ابیات زیر مشخص کنید.

الف) بنیاد هستی تو چو زیر و زبر شود / در دل مدار هیچ که زیر و زبر شوی:

ب) خواب و خورت ز مرتبه خویش دور کرد / آن گه رسی به خویش که بی خواب و خور شوی:

پ) محتسب مستی به ره دید و گریانش گرفت / مست گفت ای دوست، این پیراهن است افسار نیست.

### قلمرو فکری

۲۳) بیت: گفت: «دیناری بده پنهان خود را وارهان» / گفت: «کار شرع، کار درهم و دینار نیست» به کدام موضوع

اجتماعی اشاره دارد؟

۲۴) بیت زیر به کدام جنبه فرهنگی گذشته اشاره دارد؟

گفت: «آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه» / گفت: «در سر عقل باید، بی کلاهی عار نیست»

### گروه آموزشی عصر

۲۵) مفهوم هر یک از ابیات زیر را بنویسید.

الف) گفت: «باید حد زند هشیار مردم، مست را» / گفت: «هشیار بیار، اینجا کسی هشیار نیست!»

ب) گفت: «نزدیک است والی را سرای، آن جا شویم» / گفت: «والی از کجا در خانه خمار نیست؟»

پ) گفت: «دیناری بده پنهان و خود را وارهان» / گفت: «کار شرع، کار درهم و دینار نیست»

۲۶) معنی ابیات زیر را به نثر روان بنویسید.

- الف) گفت: «مستی زان سبب افتان و خیزان می روی» / گفت: «جرم راه رفتن نیست ره هموار نیست»
- ب) گفت: «از بهر غرامت، جامه ات بیرون کنم» / گفت: «پوسیده است، جز نقشی ز پود و تار نیست»
- پ) گفت: «باید حد زند هشیار مردم، مست را» / گفت: «هشیار بیار، اینجا کسی هشیار نیست!»
- ۲۷) منظور از «حرف کم و بسیار» در مصراع دوم بیت زیر چیست؟
- گفت: «می بسیار خوردی، زان چنین بی خود شدی» / گفت: «ای بیهوده گو، حرف کم و بسیار نیست!»
- ۲۸) در هر یک از بیت های زیر، بر چه مفهومی تأکید شده است؟
- گفت: «آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه» / گفت: «در سر عقل باید بی کلاهی عار نیست»
- ۲۹) در هر یک از موارد زیر نقش هسته گروه های اسمی مشخص شده را بنویسید.
۱. این مدعیان در طلبش بی خبراند
  ۲. گفت: مسجد، خوابگاه مردم بدکار نیست.
  - ۳۰) مفهوم مشترک ابیات زیر را بیان کنید.
- الف) گفت مست: «ای محتسب، بگذار و رو / از برهنه کی توان بردن گرو؟»
- ب) گفت: دیناری بده پنهان و خود را وارهان / گفت: «کار شرع، کار درهم و دینار نیست»
- شعر خوانی: در مکتب حقایق
- در راه ذوالجلال چو بی پا و سر شوی

## قلمرو زبانی

- ۳۱) با توجه به ابیات زیر به سوال ها پاسخ دهید.
- ۱) دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی
  - ۲) یک دم غریق بحر خدا شو گمان مبر / کز آب هفت بحر به یک موی تر شوی
- الف) نقش واژگان مشخص شده ابیات را به ترتیب بنویسید.
- ب) نوع «واو» در بیت نخست را مشخص کنید. ربط (پیوند)
- پ) ابیات را به لحاظ جمله مرکب و ساده بودن بررسی کنید.
- قرابت معنایی: دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی
۱. تا نگردي بی خبر از جسم و جان / کی خبر یابی ز جانان یک زمان
  ۲. هوای عشق او داری، هوای خویشان بگذار / خیالش نقش می بندی رها کن دل ز جان بگذر
- ۳۲) مفهوم ابیات زیر را بنویسید.
۱. ای بی خبر بکوش که صاحب خبر شوی \*\*\* تا راهرو نباشی کی راهبر شوی

۲. در مکتب حقایق پیش ادیب عشق \*\*\* هان ای پسر بکوش که روزی پدر شوی

۳. دست از مس وجود چو مردان ره بشوی \*\*\* تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی

۴. خواب و خورت ز مرتبه ی خویش دور کرد \*\*\* آنکه رسی به خویش که بی خواب و خور شوی.

۵. گر نور عشق حق به دل و جانت اوفتد \*\*\* بالله کز آفتاب فلک خوب تر شوی

۶. یک دم غریق بحر خدا شو گمان مبر \*\*\* کز آب هفت بحر به یک موی تر شوی

۷. از پای تا سرت همه نور خدا شود \*\*\* در راه ذوالجلال چو بی پا و سر شوی

۸. وجه خدا اگر شودت منظر نظر \*\*\* زین پس شکی نماند که صاحب نظر شوی

۹. بنیاد هستی تو چو زیر و زبر شود \*\*\* در دل مدار هیچ که زیر و زبر شوی

۱۰. گر در سرت هوای وصال است حافظا \*\*\* باید که خاک در گه اهل هنر شوی

۳۳. نقش ضمیر «ت» را در ابیات زیر مشخص کنید.

۱. خواب و خورت ز مرتبه خویش دور کرد // آن گه رسی به خویش که بی خواب و خور شوی

۲. گر نور عشق حق به دل و جانت اوفتد // بالله کز آفتاب فلک خوبتر شوی

۳. وجه خدا اگر شودت منظر نظر / زین پس شکی نماند که صاحب نظر شوی

# مای دررس

## گروه آموزشی عصر

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

## درس دوم: مست و هوشیار

## قلمرو زبانی:

- سوال ۱) ۱. تاوان، جبران خسارت مالی / ۲. کیفر و مجازات شرعی / ۳. ناخوشایند داشتن امری / ۴. حاکم و فرمانروا / ۵. مأمور حکومتی شهر که کار نظارت بر اجرای احکام دین و رسیدگی به اجرای احکام شرعی بود. / ۶. خمّار: می فروش / ۷. ننگ و عیب / ۸. آنچه مربوط به امور دینی است.
۲. پاسخ: ( شویم: در معنای برویم فعل ناگذر) - (نیست: حاضر نیست یا وجود ندارد فعل ناگذر/اسنادی نیست!)
۳. گزینه ۱ در معنی «نابود شدن»، بقیه موارد در معنی «وجود ندارد»
۴. پاسخ گزینه پ) \*\*\*الف) (شد: در معنی رفت. فعل ناگذر است و اسنادی نیست) \*\*\*ب) (شد: رسید/اسنادی نیست) \*\*\*پ) (شد: اسنادی) ت) (شد: رفت/ اسنادی نیست... شده: مرده)
۵. پاسخ: (والی در مصراع نخست: مضاف الیه) - (والی در مصراع دوم: نهاد)
۶. پاسخ: (مسجد در مصراع نخست: متمم) و (در مصراع دوم نهاد)
۷. (خابگاه: صحیح آن «خابگاه» است)
۸. پاسخ: الف: رای فکّ اضافه ب: حرف اضافه به معنی «به»
۹. پاسخ: نهاد - مفعول - مفعول - مسند.
۱۰. نهاد - مسند
۱۱. حذف واژه «جامه» به قرینه لفظی: (جامه ام) پوسیده است. / (جامه ام) جز نقشی ز پود و تار نیست.
۱۲. الف) (پاسخ: مسند - قید - نهاد - مسند) ب) (پاسخ: مفعول - نهاد - مسند)
۱۳. الف) (مسند/ متمم / نهاد) \*\*\*ب) جهش ضمیر دارد و نقش مضاف الیه برای واژه سر. سرت (سر تو)
۱۴. گزینه ۳.. حذف فعل «است» به قرینه معنوی بعد از «به».
۱۵. پاسخ: مضارع التزامی \*\*\*بَرَم: بیرم
۱۶. الف: (متمم - مسند) \*\*\*ب) حذف نهاد به قرینه لفظی / جامه ام پوسیده است: و جامه ام جز نقشی ز پود و تار نیست. بخش حذف شده، نهاد است.

www.my-dars.ir

## قلمرو ادبی

۱۷. هر دو با بهره گیری از شیوه طنز و با بیانی ساده، به ترسیم فساد و تزویر اجتماع عصر خود می پردازند.
۱۸. الف: (بیدار: ایهام دارد: نقطه مقابل خواب / ۲. هوشیار و آگاه) \*\*\*هشیار: ایهام دارد. / ۱. مقابل مست؛ یعنی کسی که اهل باده نویسی نیست. / ۲. آگاه و خردمند)

۱۹. پاسخ: مراعات نظیر (تناسب) حد زدن و مست - تکرار: هشیار - هشیار و مست: تضاد - واج آرای: تکرار صامت «ر»
۲۰. پاسخ: کنایه از بی اعتباری
۲۱. الف: تضاد (مست و هشیار) ، تکرار (هشیار) ، کنایه ( اینجا کسی هشیار نیست: غفلت و آلوده بودن جامعه)
- ب: تضاد (افتادن و خیزان) ، تکرار (نیست) ، کنایه ( هموار نبودن راه: رواج و گسترش فساد در جامعه) . حسن تعلیل.
۲۲. الف) کنایه از تغییر و تحول اساسی (ب) کنایه از ترک تعلقات دنیوی (پ) (کنایه از درگیر شدن).. کنایه تعریض گونه ای در جمله این پیراهن است افسار نیست، نیز وجود دارد: کنایه از اینکه من انسانم نه حیوان. (کنایه مشهود در این بیت همان گریبان گرفتن ، است).

### قلمرو فکری

۲۳. گسترش و رواج رشوه خواری در جامعه روزگار شاعر
۲۴. در قدیم بدون کلاه و دستار در بین مردم حضور پیدا کردن، بی ادبی محسوب می شد.
۲۵. الف) (تهدید به اجرای مجازات/ فراگیر بودن فساد در جامعه) \* (فساد پنهانی حاکمان) \* \* (رشوه خواری محسوب/ حرام بودن رشوه در دین)
۲۶. الف) معنی: محتسب گفت: تو به خاطر مست بودن تعادل نداری، مست گفت: جرم و گناه از راه رفتن من نیست بلکه از جامعه نا به سامان است. (مفهوم: بی تعادلی/ نا به سامان ی جامعه، موجب انحراف)
- ب) محتسب گفت: به عنوان جریمه و تاوان، لباس را از تنت در می آورم، مست گفت: به خاطر فقر، لباس من پوشیده است و تنها طرحی از تار و پود از آن برجای مانده است. (ظلم و بی قانونی/ فقر)
- پ) محتسب گفت: انسان هوشیار و آگاه باید مست را مجازات کند. (به این معنی که من که اکنون هوشیار هستم باید تو را مجازات کنم) مست گفت: من در این شهر، شخص هوشیار و آگاهی نمی بینم، پس تو هوشیاری را پیدا کن تا مرا مجازات کند. (مفهوم: تهدید به مجازات شرعی/ فراگیری فساد در جامعه عصر شاعر)
۲۷. یعنی بحث میزان و اندازه حرام و گناه نیست چرا که حرام، حرام است چه بیشتر چه کمتر/ همچنین بی اطلاعی محتسب از احکام شرعی.
۲۸. رواج حماقت و توجه به سنت های خرافی و ظاهری در جامعه روزگار شاعر / برتری عقل بر آیین های خرافی /
۲۹. ۱. مدعیان: نهاد - طلب: متمم / ۲. مس: متمم - مردان: متمم ۳. خوابگاه: مسند ۴. کار: نهاد - کار: مسند
۳۰. هر دو به «رشوه خواری و باج خواهی حاکمان زورگو در جامعه و فقر حاکم بر جامعه عصر شاعر» اشاره دارد.
۳۱. الف: (متمم/ نهاد/ مسند) ب: (یک دم: ترکیب وصفی در نقش قید/ غریق: مسند / تر: مسند) \* \* پ) هر دو بیت جمله مرکب هستند.
۳۲. ۱. (مفهوم: تأکید سالک و رونده راه حقیقت بودن که لازمه آن خاکساری است) \* \* \* ۲. (مفهوم: کوشش برای پختگی و کمال در راه عشق) \* \* \* ۳. (مفهوم: شرط رسیدن به کمال عشق ، فنا فی الله و ترک تعلقات دنیوی است) \* \* \* ۴. مفهوم: توصیه به ریاضت در راه معرفت حق / و توصیه به ترک امیال نفسانی) \* \* \* ۵. (مفهوم: کمال عشق در عشق به خدا محقق می

گردد.)

۶. (مفهوم: عاشق با پناه بردن به عشق الهی از حوادث در امان است.) \*\*\*\*۷. (مفهوم: لازمه رسیدن به معرفت حق، فنا فی الله است) \*\*\*\*۸. (مفهوم: شرط رسیدن به بصیرت و آگاهی از حق، قدم نهادن در مسیر حق است.) \*\*\*\*۹. (مفهوم: رسیدن به کمال، فنا فی الله است و ترک تعلقات دنیوی) \*\*\*\*۱۰. (مفهوم: شرط وصال به حق، تواضع و فروتنی در مقابل عارفان و اهل کمال است)

۳۳. ۱. (ضمیر «ت» در نقش، مفعول) ۲. (ضمیر «ت» در نقش مضاف الیه: جان تو) ۳. (ضمیر «ت» در نقش مضاف

الیه: نظر تو)

مای دررس

گروه آموزشی عصر

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)